اعلامیهٔ

اداره خارجی

پرتوهای جهان متحد شوید

حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

توطئه، شکست . . .
باز هم توطئه، باز هم شکست!

موفقیت های چشمگیر و روزافزون حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران در نشر وسیع مارکسیسم ـ لنینیسم، در سازماندهی پیشتازان انقلاب پرلتاریائی ایران و در بسیج توده ها و نیروهای انقلابی، در راه انقلاب دموکراتیک توده ای ایران، همچون خاری چشمهای کوته بین اپورتونیستها و تمامی دشمنان پنهان و آشکار انقلاب ایران را می خلد و روحشان را آزار میدهد. اپورتونیستها بنا بر ماهیت خود، هیچگاه و در هیچ یک از مرحله های رشد انقلاب نمی توانند از توسل به توطئه، تحریف، تحمیل و تحریف، اتهام و لجن پراکنی بر علیه پیشتازان انقلاب خودداری کنند. آنها از ویژگیهای پراکندن نیروهای انقلاب و در هم شکستن صفوف رزمندگان، منفرد کردن مارکسیست ـ لنینیستها و نابودی جنبش پرشوری است که در اطراف هسته مرکزی پیشتاز انقلاب تبلور یافته و نوید بخش روزهائی خلقهای ما از زنجیر حکومتهای زور و چپاول و نوید آور سرسپردگان امپریالیستهای رنگارنگ است. ولی ضجه های اپورتونیستها مانند عوعو سگان برگرد کاروان پیل است. انقلاب با گامهای استوار بسوی پیروزی های هرچه درخشانتر به پیش میتازد و اپورتونیستها مانند کسانی که در لجنزار گرفتار آمده اند، هرچه بیشتر تقلا میکنند، بیشتر در لجن فرو میروند و این تاجائی که در نتیجه تلاشهای خود شان در زیر انبوهی از کثافات برای همیشه مدفون میشوند. سرنوشت دردناک اپورتونیست ضد حزبی فروتن نیز مسلما از سرنوشت کلی همه اپورتونیستها جدا نخواهد بود. این وامانده گان سیاسی که همه توطئه های پلید شان در جلوگیری از احیاء حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران با رسوائی و شکست روبرو شد، مدتها حتی وجود حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران را نیز حاشا میکردند و آخر خفاش نمیتواند به آفتاب بنگرد. خورشید درخشان حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، چشمهای این موش کورها را آزار میدهد.

گروهک اپورتونیست فروتن، گروهکی است در ردیف همه گروهکهای خارج نشین دیگر که با همه جار و جنجالشان فقط قدمت هد فهای تنگ نظرانه مشتی عناصر جاه طلب و انقلابی نما ست که حاضر نیستند حتی سرسوزنی از مقام "رهبری" پائین بیایند و حتی برای لحظه ای هم که باشد صادقانه به منافع راستین انقلاب ایران بیاندیشند: بیهوده نیست که فروتن رهایی خود را وا ر میکرد او را "استالین ایران" بنامند. زهی وقاحت، زهی خیال خام!

گروهک فروتن از نظر نفوذش در توده ها اهمیتی ندارد. کسی بفریب این ورشکستگان سیاسی گرفتار نمی آید. ولی نمونه های حیله، تحریف و لجن پراکنی این دار و دسته منحصر بفرد و درخور تامل است. واقعا که فروتن اگر بیلان کارش در رخدمت به جنبش کمونیستی منفی است، لااقل در رخفا شیادی آموخته مورد آن به مقام استادی رسیده ماست! ببینیم او چگونه از نظریات صحیح نتایج غلط استخراج میکند تا هیاهوئی برای روزی نامعین اعتبار خود بیابد و هم با نشر اکاذیب و جعلیات و اتهامات واهی، مشوش و انقلابی حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران را در انظار هرکس که بتواند در هاله ای از ابهام فرو برد و در عین حال نظریات منحط خود را نیز هر جا که امکان دست برآید تبلیغ کند.

کشور ما ایران، سالهاست که در چنگال حریص و خون آشام امپریالیسم اسیر است. پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و بازگشت شاه خائن به حکومت، رفته رفته امپریالیسم آمریکا رقبای دیگر خویش را در ایران از صحنه بیرون راند و بر تمام شئون سیاسی

وگسترش میبخشد و امپریالیسم ، ارتجاع و رویزیونیسم را به زباله‌دانی تاریخ خواهد سپرد .

مشی حزب کمونیست کارگران و همه فعالان ایران ، حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران ، یک مشی پرلتاریائی است و در انطباق کامل با تئوری انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم است . نمونه‌های متعدد و بوجود فروتن ثابت میکند که هر کس بر مشی پرلتاریائی حزب بتازد اجبارا در پورتونیسم و رویزیونیسم غلطیده و هر کس در راه تاختن و اصرار کند بیش از پیش در لجنزار پورتونیسم و رویزیونیسم خیانت غرق خواهد شد . فروتن کوچکتر از آنست که بتواند با شیادی و خدعه ، با اشاعه نظریات انحرافی و خائنانه خود جنبش انقلابی ایران را به بیراهه بکشند . حزب ما با تکیه بر مشی پرلتاریائی خود کمپرات گرانقدر رفیق احمد قاسمی است ، همه جانوطئه‌های رذیلانه پورتونیست پیروفریبکار را افشاء کرده و قدم بقدم آنرا به زباله‌دانی تاریخ ، در کنار ارتجاع و رویزیونیسم بین‌المللی ، جائی که در خور این شیاد است خواهد فرستاد .

تهران ۱۳۵۷
ژوئیه ۱۹۷۸

کمپس از جریان تیراندازی به اشرف وقبل از مسافرتش به واشنگتن ، در مصاحبه ای با خبرنگاران اروپائی گفته بود تا روزی که ما احتمال یک کودتا سئوال کرده بودند ، پس از زجرخوانی در باره اعتمادی که به ارتش ایران دارد با تلخی آرزو کرد بود که یکرکود تا لا زم نیست واگر اوراقی خواهند بگویند خودش کنار برود .

علت وحشتی که شاه از کودتای آمریکائی دارد ، اوج گرفتن روزافزون مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران است که فریاد مرگ بر تبهکاران ، سنگ زنجیری امپریالیسم ، تمامی ارکان حکومت او را که وسیله سلطه امپریالیسم بر ایران است بلرزه در آورده است. بیهوده نیست که شاه مخالفین با تمام قوا در خاموش کردن فریادهای انفجار خلق ایران از حکومت ننگین پهلوی این چنین وحشتزده میکوشد و در این راه از هیچ حیله و جنایتی نیز روگردان نیست. البته شاه تنها از کودتای آمریکائی نمیترسد ، او از مبارزات توده های وسیع خلق بیشتر بیم دارد که هم سلطنت شاه و هم سلطه امپریالیسم و منافع او را در ایران ، هر روز بیشتر مورد تهدید مستقیم قرار میدهند.

این نظر که " شاه از بیم خلقهای ایران تا دندان مسلح شده است ، در ضمن از کودتای آمریکائی نیز میترسد " نظری است که از تحلیل اوضاع ایران با معیار مبارزات طبقاتی و مبارزات خلقها برای رهائی از یوغ امپریالیسم نتیجه میشود . ولی اپورتونیستها هیچگاه معیارهای مبارزات طبقاتی پرلتاریا و مبارزات توده های خلق مستقیدیده در راه مرامهائی که خویش را در نظر دارند و اصولا اعتمادی بتوده های وسیع پرلتاریا و خلق ندارند اشتعال و مبارزات آنها را نیز بعرسمیت نمی شناسند . بهمین دلیل است که وحشت شاه از کودتای آمریکائی برایشان عجیب مینماید و این نظر را نظری انحرافی مینامایند . از آنجا که اپورتونیسم مزمن " فیلسوف " سرگشته این اواخر حدت یافته است ، در مقوله حکومت شاه ، این عامل سلطه امپریالیسم بر ایران فقط یک تضاد میبیند که آنهم تضاد بین امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی است و هرگونه کودتای آمریکائی و تغییر حکومت در ایران را تنها در صورتی محتمل میداند که شاه در مقابل آمریکا " لجام گسیخته " و بنای " سخت سری . . . و یاغیگری " نهد (توفان جعلی ، شماره ۱۲۷ ، در مقاله رژیم شاه و کودتای آمریکائی) . برهم این " فیلسوف " اپورتونیست هرگس که در تحلیل اوضاع ایران با تکیه بر معیارهای مبارزات طبقاتی و " با نظر افکندن بر این واقعیت که امروز میان های اجتماعی رژیم هر روز محدود تر و صف نارضایان گسترده تر میگردد " (همانجا) نتیجه بگیرد که شاه از کودتای آمریکا میترسد ، " بر بخش عظیم واقعیات " که باید عبارت باشد از " موقعیت امپریالیسم آمریکا ، رقابت دو ابرقدرت ، اهمیت حیاتی ایران ، مسئله انرژی و تا " مین نفت و موقعیت استراتژیک ایران و نقش شاه در تا " مین منافع امپریالیستها چشم فرو میبندند " (همانجا).

ولی هر قدر که اپورتونیست پیرو تعقیب میکند بسیار زود تر از آنست که فقط بمعطل مزورانه بر مواضع مارکسیستی ـ لنینیستی حزب پراقتخار کمونیست کارگران و دهقانان ایران و خلجن پراکنی علیه آن محدود گردد . فروتن در زیر پوشش حمله بر حزب پیشتاز انقلابی پرلتاریای ایران ، که با جعل و تحریف وقیحانه مواضع تنها تشکیلات مارکسیستی ـ لنینیستی ایران همراه است ، در واقع میخواهد نظریات انحرافی سمجهانی خود را نیز بخورد . وگرنه تبلیغ مزورانه این نظریه که تضاد بین امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم " رقابت دو ابرقدرت بر سر مسئله انرژی و تا " مین نفت و موقعیت استراتژیک ایران . . . " ارتضاد خلقها با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم عمده تر است و نادیده گرفتن آن تضاد اساسی جامعه یعنی تضاد بین خلقهای ایران و امپریالیسم که تعیین کننده ماهیت رژیم حاکم بر ایران و روابط امپریالیسم با آن است ، در رخدمت چیست ؟ در دست باین علت که امپریالیسم در ایران دارای ـ منافع پراهمیت و حیاتی است و در دست بهمین علت ، منافع امپریالیسم در ایران عمده است و شاه جزء مهره می ارزشی در دست امپریالیسم آمریکا نیست . اگر " آمریکا آفریننده رژیم شاه و سازمان دهنده تمامی بساط زور و اختناق " است (همانجا) ، بدان معنی نیست که این امپریالیسم خونخوار ، لطف ویژه ای برای شخص محمد رضا شاه دارد بلکه هدف امپریالیسم آمریکا فقط و فقط ، بر پا داشتن سیستمی است که به او اجازه دهد با خیال راحت بغارت ثروتهای ملی خلقهای ایران بپردازد . حکومت شاه جزء وسیله ای برای اجرای نیات پلید امپریالیسم بیش نیست و روزی که دیگر این وسیله ، در اثر شدت یافتن تضادهای خلق ایران با دستگاه جبار امپریالیستی در ایران ، مؤثر نباشد و نتواند منافع امپریالیستها را تا " مین و یا از آنها دفاع نماید ، مسلما امپریالیستها دیگر او را نخواهند شاه دوست دستگاه شیطانی او جا بگزین کردن شاه دستگاه مناسب دیگری ، لحظه ای درنگ نخواهند کرد . شاه نیز خود شان موضوع را بخوبی میدانند و بهمین دلیل است که در نوکری سر از پا نمیشناسد و باصطلاح " جزء جا زه آمریکا آب نمیخورد " . عمده از ترس رفرمیست اش که هم اکنون در ایران قد علم کرده اند عقب بماند .

حال اگر فروتن مرتد به این نتیجه غلط میرسد که " طرح این ایده . . . " همانا گسستن بند های رژیم شاه است و ادعیه استقلال او را در بر دارد " (همانجا) ، در واقع هدف جزء بیان نظریات خود ش ، منتها بصورت نتیجه ای از نظریات تحریف شده ما ندارد . او میخواهد بهر صورت شده ما را مستقلال شاه را تبلیغ کند ، بقیه طائفات او همه برای پوشش این ایده پلید است که جز

خدمت بها پورتونیستهای چپنی و در نهایت بازار تجاوز وابستگی امپریالیسم ایران کاری نمیکند . اویا فریاد "آی دزد رابگیرید" می ـ خواهد بخود قیافه "معصومانه" بدهد تا کسی متوجه دزدی او نشود . بهبود منیست کمشیاد انمیخواهد ما را به "گرایش بسوی دارودسته کمیته مرکزی وسوی سوسیال امپریالیسم وهواداران آنها" (توفان جعلی شماره ۱۲۷ ، ارگان اپورتونیستها در مقاله "مراحل سقوط انشعابگر") نیز متهم کند . این روش پلید وشناخته شده همها پورتونیستها و دشمنان خلقها ست کمبا اتهامات بی پایه ، لجن پراکنی وبرچسب زنی و . . . ، سعی دارند حقایق را وارونه جلوه دهند تا شاید محیط برای به کرسی نشاندن نظریات انحرافی خود شان آماده گردد . چند نفر آواره ست تلاشهای آنان کما زحق وحقیقت بریده و وبا بکار گرفتن چنین شیوه های رذیلانه هر روز بیشتر خود را به پلیدی می آرایند و هر روز در ارزشهای والای تودهای ستمدیده ، قدمهای بیشتری برمیدارند . فروش ، این اپورتونیست مکار ، باجعل وتحریف حقایق ، باوارد کردن اتهامات واهی و لجن پراکنی به حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران ، هدفی را دنبال میکند کمجز اشاعه نشئت فکری در محیط روشنفکری خارج از کشور و در امن زدن به انحراف ایدئولوژیکی کسانی کما زروی نادانی جزو پیاده توطئه گر اوشده اند نیست . او سعی دارد باصطلاح آب راگل آلود کند تا شاید بهتر بتواند ماهی بگیرد . حزب کمونیست کارگران و هواداران ایران ، تنها تشکیلات مارکسیستی ـ لنینیستی میهن ماست کمبا تکیه بر مواضع پرلتاریائی بموقعه در نشر و تبلیغ نظریات کمونیستی وانقلابی در درون توده های وسیع خلقهای ایران میکوشد و در راست ارتباط گیری مارکسیسم ـ لنینیسم در مقابل خطری کما زفعالیت عناصر اپورتونیست درون کمونیست متوجه آن میگردد دست میزند . ما ایمان داریم کمتنها از این راه میتوان آن نیروی مادی را بوجود آورد کتمامی شئون زندگی خلقهای ایران را در راه پیروزی دائمی آرمانهای پرلتاریای ایران تغییر خواهد داد . حملگروهک اپورتونیست پیروفریبکار ، بیشتر از انقلاب پرلتاریائی ایران ، در عمل جز خدمت بمصالح انقلاب که هم اکنون بر جان ومال وناموس توده های خلق ما مسلط بوده مانند زالوخون توده های وسیع زحمتکشان را نمیدیده و وطن ما را می میکند چیز دیگری نیست . وگرنه مطرح کردن سئوالات ـ غلطی کمجز منحرف کردن توجه مبارزین و توده ها از امر استین انقلاب ایران ندارد بلکه حتی منعکس کننده کوچکترین واقعیت زندگانی جامعه ما نیز نمیباشد ، بسود کیست ؟ مسئله فاشیسم یا شیوه حکومتی کما امپریالیسمهای درنگارنگ برخلقهای کشورهای مختلف تحمیل میکنند مسئله ایست کمتنها با درجه آگاهی و آمادگی انقلابی توده های وسیع خلقهای هر کشوری بستگی دارد . هر ملتی هر جا که رهسپار شود ، وقتی مصمم نمیرای دفاع از حقوق وآزادیهای خویش به پاخیزد ، هیچگاه مهیج نیروی امپریالیستی قادر نخواهد بود ، شرایط وفرامین خود را برا و تحمیل کند . نمونه های خلقهای هند وچین کمدر قیامی قهرمانانه ، بزرگترین نیروی امپریالیستی تمامی تاریخ بشریت را بمزانو در آوردند ، نمونه های باری است از این حقیقت . ولی فیلسوف کوردهن کمبا به غیب میاندازد و دیگران را بیسواد میخواند ، وقیحانه میکوشد حقایق را از نظرها پنهان دارد . او از طرح کردن مسائل منحرف کننده مانند نظیر : "سوسیال امپریالیسم شوروی . . . بند ها را با دست خدمتگزاران خود بمراتب محکمتر از امپریالیسم آمریکا بدست وپای خلق ایران خواهد پیچید" (توفان جعلی ، شماره ۱۲۷ ، ارگان اپورتونیستها ، "مقاله" همه چیز در خدمت سیادت جهانی") ، ابا ندارد . از طرح اینگونه سئوالات مسلما نتیجه دیگری نمیتوانست عاید شود بجز اینکه "کمونیستهای ایران حق ندارند برای بیرون راندن امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها از ایران برزمند" (همانجا) چرا کمسکن است "در اثر عدم هوشیاری و تفرقه در دام سوسیال امپریالیسم شوروی گرفتار آیند" (همانجا) (واقعا همکسانی کمبه "دانش" و "سواد" خود پر بها میدهند ، باید همه کمونیستهای ایران واصولا همه را بیهوش بدانند) . دیگر بهتر از این نمیتوان بما پورتونیسم سمجهانی خدمت کرد . تکامل آتی اینگونه مسلما جز دعوت همگانی برای همکاری با حکومت منفور شاه خائن در مقابل خطر دست اندازی سوسیال امپریالیسم روس بما ایران نخواهد بود .

بهنیروی انقلابی شکست ناپذیر توده های خلق اعتماد نداشتن و همواره در جستجوی تکیه گاه دیگری غیر از نیروان پرقدرت خلق روان بودن ، نتیجه ای بهتر از این ببار نمی آورد ! توده ها هستند کما فرینندگان تاریخند . این خلقها هستند کمدر همشکننده توطئه های امپریالیستهای درنگارنگ اند و این خلقهای ستمدیده ما ایران اند کمتحت رهبری حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران ، حزب کمونیست کارگران و هواداران ایران ، طومار حکومت نوکران امپریالیسم را در هم پیچیده و توطئه های خائنانه سوسیال امپریالیسم شوروی و ستون پنجم آنرا نیز کمبرای نفوذ در درون صفوف نیروهای انقلاب رهائیبخش توده های ایران بسختی میکوشند تا یوغ سوسیال امپریالیسم را جانشین یوغ امپریالیسم آمریکا بر گرده خلقهای ایران استوار کنند ، بعقیم خواهند گذاشت . فروتن نه نیروی انقلابی توده های وسیع خلق اعتماد دارد و نه مبعد رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک توده ای . بهمین دلیل است کدر نفی لزوم سرکردگی پرلتاریا در انقلاب دموکراتیک توده ای همراه با بازی احقانه با کلمات ، در توفان جعلی شماره ۱۲۴ مینویسد : "از کی تا بحال

"خلق" حزب پیشاهنگ داشته است وآنهم مارکسیست ـ لنینیست ؟" (توفان جعلی ، شماره ۱۲۴ ، ارگان اپورتونیستها ، مقاله دربارهٔ جند رویداد) اوتعجب میکند که "چگونه طبقات مختلف ، دارای منافع متفاوت وحتی متضاد میتوانند "حزب پیشاهنگ" واحدی داشته باشند ؟" (همانجا) دیگر ازاین بهتر نمیتوان نظریه چند حزبی بورژوائی راتبلیغ کرد . رویزیونیستهای خروشچفی هم از همین رامرفتند . شك نیست که گرفروش همین رامراد امید هد بزودی بدانها خواهد پیوست !

آنچه که در سرنوشت انقلاب رهائیبخش تود های نقش تعیین کننده دارد ، بسیج تود ها بدور وحزب پیشتاز پرلتاریای ایران است . سرکردگی پرلتاریای ایران در انقلاب دموکراتیك تود ای تنها با رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر در انقلاب تا آخر میسر خواهد شد . نفی لزوم این رهبری در حقیقت نفی لزوم روش انقلاب سوسیالیستی از انقلاب دموکراتیك تود ای است .

امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی ، هردو دشمنان خلقهای ایرانند برای رهائی تود های خلق ایران از چنگال هردوی این دشمنان باید مبارزه کرد . ستون پنجم هردوی این امپریالیستها را باید درهم کوبید ، دست نشاندگان هردوی این دشمنان خلقهای ایران وجهان را باید تارومار کرد واین وظایف را خلقهای ایران تحت رهبری حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران هم اکنون در دستور روز جنبش انقلابی دموکراتیك وتود ای قرار داده اند کمسلماً در روسه این انقلاب انجام خواهند داد . پیشتازان انقلاب پرلتاریائی ایران بخوبی میدانند که عمده کردن یکی از این امپریالیستها در مقابل آن دیگری ، کوشش در بوجوشت انداختن خلقها از فاشیسم سوسیال امپریالیستی در مقابل فاشیسم امپریالیستی همه همه در روز مسائل انتزاعی هستند که هیچ ربطی با انقلاب ایران ندا شته و فقط شایسته همان محافل روشنفکری خارج نشین است . کسانی که چنین سئوالاتی را مطرح میکنند هدفی جز سوق دادن تود ها بدامان امپریالیسم خون آشام آمریکا تعقیب نمیکنند واین چیزی جز خدمت بخدمت انقلاب نیست واین همان هدفی است که تئوری رویزیونیستی سه جهان در برابر خود نهاده است .

اما توطئه گریهای گروهك اپورتونیست ضد حزبی بطلجن پراکنی علیه حزب ما ، تحریف واقعیات جامعه ما ، تبلیغ تئوریهای ضد مارکسیستی ـ لنینیستی و دامن زدن بمنتشت فکری موجود در جنبش انقلابی ایرانیان مقیم خارج محدود نمیشود . دامنه توطئه چینیهای این گروهك و "رهبر" اپورتونیست وی روی آن دامن دارد و گاه سوسیالیسم واحزاب کمونیست وکارگری بین المللی را نیز میگیرد . هنوز جوانان انقلابی خارج از کشور ، خاطره مجزه کثیف این گروهك ضد مارکسیست را که علیه احزاب پرافتخار آلمان ، ایتالیا و . . . وسایر احزاب کمونیست واقعی انتشار یافت از یاد نبرده اند . لجن پراکنی وافتراهای ورق پارهٔ شماره ۱۲۴ آنها در مورد تعبیر به اصطلاح "حزب تما م خلق" علیه حزب کمونیست انقلابی شهلی وحزب ما هنوز در خاطره ها زنده است . در خارج از کشور همگان وصف ناپذیر ترا وشات مغزی فیلسوف پریشانحال را در حلقه آلبانی سوسیالیستی و دفاع از چین رویزیونیستی شنیده اند . ولی معجزات این آقایان گویا پایانی ندارد :

مارکسیست ـ لنینیستها وهمه آنهائی که مبارزه کنونی کمونیستها علیه اوج نوین حمله بورژوازی وامپریالیسم بر جنبش کارگری بین المللی وانترناسیونالیسم پرلتری آگاهند ، بخوبی از پیچیدگی این مبارزه اطلاع دارند ومیدانند که احزاب کمونیست وکارگری کشورهای مختلف در عین وحدت عمیق واستوار خویش گرد مارکسیسم ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرلتری استوار است ، در مبارزه علیه تئوری رویزیونیستی "سه دنیا" وآورندگان چینی آن ، با استقلال رأی وباحرکت از شرایط مشخص مبارزه خود حرکت میکنند . هر مبارزی که صمیمانه گام در دفاع از پاکیزگی مارکسیسم ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرلتری برمیدارد ، به منافع عالی پرلتاریای بین المللی می اندیشد و در راه تعمیق ، تحکیم وانسجام وحدت ارد وگاه مارکسیست ـ لنینیستها ، علیه اپورتونیسم وانواع رنگارنگ رویزیونیسم مبارزه میکند ، براین امر وقوف کامل دارد .

دشمنان مارکسیسم واپورتونیستها نیز ، گرچه خود را بنادانی میزنند ، لاکن بخوبی براین حقیقت معرفت دارند و به خد عه و نیرنگ میکوشند کهباسو" استفاده از شرایط پیچیده این مبارزه ، اپورتونیسم وضد مارکسیسم خود را در هاله ای از احکام منجمد و یراکنده ، در پوششی از نقل قولهای برید ه از شرایط زمان ومکان وبی ارتباط با جوهر متن اصلی گفتار ونوشتجات منابع مختلف پنهان کنند تا شاید بتوانند بتوطئه های شیطانی خویش جامه عمل بپوشانند .

پیر معجزه گرما ، فروتن ا پورتونیست ، نیز بدین سان عمل میکند . در شرایطی که مجموعه جنبش بین المللی کمونیستی وکارگری علیه تئوری رویزیونیستی سه دنیا ، موضع گرفته ، اکثریت هر روز فزاینده متر آن علنا علیه رهبری حزب رویزیونیست چین وقدرت رویزیونیستی که امروز بر چین تود ای حاکم است موضع میگیرند ، "توفان" قلابی وضد حزبی مدام اراجیف "سوسیالیست" بودن چین و "کمونیست" بودن حزب رویزیونیست آن قلمفرسائی میکند . آنها بیشرمانه مینویسند "یا آلبانی اپورتونیستی است و یا چین

سوسیالیستی " زهی وقاحت ! در واقع با این استدلال مضحک اما شیطانی ، این گروهک محتضر را ند یشه کثیف لوث کردن سیمای درخشان پایدارترین مبارز و آرمانهای پرلتاریا یعنی آلبانی سوسیالیستی است و همراه با آن آرایش قدرت و نظام جدیدی را در سراسر میهن ورانند کدر چین مستقر شد موهر روز گام نوینی در راه احیای " سرمایه داری در چین برمیدارد . اپورتونیست شیاد ، با چیدن اینگونه صغری ـ کبری ها میخواهد در چشمان تودها گرد بپاشد ، میخواهد تودها را فراموش کنند که قدرت ارتجاع حاکم بر چین چهار نعل میرود که هرچه سریعتر و با تکیه بر ارتجاعی ترین ائتلافات بین المللی و با توسل به قهر ضد انقلابی در درون جامعه چین و سرکوب تودهای خلق ، از جمهوری تودهای چین ابرقدرت سومی در کنار دو ابرقدرت دیگر که از لوو ارخون خلقهای جهان را میکند بسازد . بقول رفقای حزب کمونیست انقلابی شیلی ، سیاست خارجی این دار و دسته و این قدرت جدید ، هیچ نیست مگر ادامه همان منافع طبقاتی و قشری آنها در سطح بین المللی !

اما " دانشمند " ریاکار ما را با این واقعیات چه کار ! ؟ او را مخود در پیش دارد . هدف تخریب در جنبش کمونیستی است و در هر کار پیکوشد ، بهر نحوی از انحاء " تشتت فکری و آشفتگی در راه جوانان انقلابی و هواداران مارکسیسم ـ لنینیسم در ـ خارج از کشور بیافریند . بهمین جهت بمتوطئه های خویش ادامه میدهد و یا لاخره رسما کمی پیش از اعلان رسمی خرابکاری رهبران رویزونیست پکن علیه اقتصاد و نیروی تدافعی آلبانی سوسیالیستی (علی کمجزکه بمسخره های از توطئه های خروشچف در راوان سالهای ۱۹۶۰ علیه آلبانی سوسیالیستی و حزب کار پیشتاز آن نیست) ، فروش اپورتونیست در " توفان انقلابی شماره ۱۲۸ خود هـ ـ زبان با کلیه هواداران تئوری ضد مارکسیستی و ضد خلقی " سعد نیا " ، مقاله دیگری بر علیه آنهائی که به " حملات خائنانه رویزونیستی علیه جمهوری سوسیالیستی چین " مشغولند (نقل از توفان جعلی ، شماره ۱۲۸ ، ارگان اپورتونیستها) انتشار میدهد . در این مقاله میخواهد کرد شیادی و شعبده بازی دست شیطان را هم از پشت بسته است بنامصر گشاده رفقای حزب کمونیست انقلابی شیلی که در نوامبر ۱۹۷۷ ، (یعنی یکسال پیش از آنکه مبارزه میان کمونیستها و اپورتونیستها به مرحله فعلی تکاملی خویش برسد) انتشار یافته ما بر علیه تئوری رویزونیستی " سعد نیا " و رهبران رویزونیست پکن است ، استناد میکند تا " ثابت " کند که غیر حزب " کمونیست چین " امروز حزب رویزونیستی نیست ، " چین تودهای " سوسیالیست است و مرکز اپورتونیسم بین المللی نیست ! جل الخالق ! حقا که با این نمیتوان سید را سیاموسید مرا شاه تاریک وانمود ساخت . حیله گیفی در این مقاله نا بجا نهفته است که " حواس پرتی " ظاهری نگارند مآن را توجیه میکند . توطئه گران بین المللی در کمین نشسته اند تا بهر ترتیب ، وحدت مستحکم اردوی سوسیالیسم و جنبش بین المللی کارگری را بهم بزنند . لاشخورها مترصد ند کسیمای احزاب کمونیست و کارگری را بلوث بکشند . تحریف آشکاری که اردو ستعفد حزبی در سند حزب کمونیست انقلابی شیلی انجام داده اند ، هدف شوم اتهام زنی بمرفقای پرافتخار مارکسیلی را تعقیب میکند . این اولین بار نیست که چنین توطئه ای علیه مرفقای شیلی صورت میگیرد . در اردوستم رویزونیست " ژورکه " در فرانسه نیز در راوان شروع مبارزه آشکار علیه جریان نوین رویزونیستی بتوطئه دیگری دست یازید موصاحبه های قلابی با یک رهبر قلابی حـ ـ زب کمونیست انقلابی شیلی انجام داد مبود تا بهاستناد بدان و استنتاج از امر و رابط خویش با این حزب و سایر احزاب کمونیستی واقعی آمریکای لاتین ، سند ضمانتی در " کمونیست " بودن خود نزد انقلابیون فرانسه بسازد و از طرفی دیگر وحدت استوار حزب کمونیست انقلابی شیلی را با جنبش بین المللی کمونیستی کارگری ، خدشه دار نماید .

اما برد این مقالهبهمین جا خاتمه نمی یابد . انتشار این مقاله در دفاع از چین رویزونیستی ، آنهم بفاصله کمی پیـ ـش از افشای رسمی توطئه گری رهبران پکن علیه آلبانی سوسیالیستی ، هدف شوم دیگری را نیز تعقیب میکند و آن حمله به آلبانی سوسیالیستی وارد وی احزاب کمونیست حقیقی و دفاع از چین ، این مرکز جدید اپورتونیسم بین المللی است .

لاکن این توطئه گریهای اپورتونیسم محتضر ، در پیشرفت انقلاب ، توسعه و تحکیم جنبش بین المللی کمونیستی وسـ ـط و تعمیق انترناسیونالیسم پرلتاریائی هرگز کارگر نمی افتد . مبارزات افتخار آمیزی که توسط کمونیستها در سطح جهانی در پیش پا پیش آنها حزب کار آلبانی و رفیق انورخوجه این آموزگار پرلتاریای بین المللی انجام گرفته است ، تئوری رویزونیستی سعد نیا و بانیان آنرا چنان مفتضح و منفرد کرد هاست که امروزه دیگر هیچ اپورتونیستی را یارای دفاع مستقیم از آن نیست . رویزونیستها موقتا قدرت را در یوگسلاوی ، اتحاد شوروی و چین بدست آورده ، بخشی از احزاب سابقا کمونیست و کارگری را بدنبال خویش کشانیده اند . اما مبارزات طبقاتی پرلتاریا نه در چین تودهای و نه در اتحاد شوروی و نه در سایر کشورهای بورژوا ـ رویزونیستی خاموش نگشته است . مبارزه جنبش بین المللی کمونیستی ، اوج گیری مبارزات خلقهای کشورهای تحت ستم و تشدید تضادهای طبقاتی در خود کشورهای رویزونیستی کمتجربه انقلاب سیاسی تحت رهبری احزاب پیشتاز پرلتاریا خواهد شد ، وحدت اردوگاه سوسیالیسم را تعمیق کرده ،

وگسترش میبخشد و امپریالیسم ، ارتجاع و رویزیونیسم را به زباله‌دانی تاریخ خواهد سپرد .

مشی حزب کمونیست کارگران و هواداران ایران ، حزب پیشتاز طبقه کارگر ایران ، یک مشی پرلتاریائی است و در انطباق کامل با تئوری انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم است . نمونه‌ها و شاهدهای مذبوحانه فروتن ثابت میکند که هرکس بر مشی پرلتاریائی حزب بتازد اجباراً به پورتونیسم در خواهد غلطید و هرکس در این تاختن اصرار کند بیش از پیش در لجنزار پورتونیسم و رویزیونیسم خیانت غرق خواهد شد . فروتن کوچکتر از آنست که بتواند با شیادی و خدعه ، با اشاعه نظریات انحرافی و خائنانه خود جنبش انقلابی ایران را به بیراهه بکشد . حزب ما با تکیه بر مشی پرلتاریائی خود کلیه گرایشات گرانقدر رفیق احمد قاسمی است ، همه جانبه توطئه‌های رذیلانه پورتونیست پیروفریبکار را افشاء کرده و قدم به قدم آنرا به زباله‌دانی تاریخ ، در کنار ارتجاع و رویزیونیسم بین‌المللی ، جائی که در خور این شیاد است خواهد فرستاد .

تهران ۱۳۵۷
ژوئیه ۱۹۷۸